

بررسی و استخراج معیارهای فرهنگی مؤثر بر نظام آموزش عالی ایران از منظر اسناد فرادستی

محمد رضا زارع بنادکوی^۱

چکیده

هر جامعه‌ای بر اساس الگوها و معیارهای ارزشی حاکم بر آن جامعه، ملاک‌های فرهنگی متفاوتی دارد که بر اساس اقتضائات بومی و ارزشی باید سیاست‌گذاری فرهنگی صورت گیرد. نقش دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادی فرهنگی و زمینه‌ساز فرهنگ جامعه در نظام آموزش عالی بسیار پررنگ است. در این مقاله، اسناد فرادستی آموزش عالی کشور به‌عنوان راهبردهای ابلاغی انتخاب و متن هر کدام از اسناد با انتخاب گزاره‌های الزام‌آور فرهنگی برای دانشگاه‌ها به روش کدگذاری باز و محوری، تحلیل محتوا شده است. از ۷۸ گزاره، ۲۳ کد اصلی استخراج و کدهای باز در سه محور گروه‌بندی شدند. برای استخراج معیارهای مناسب، کدهای محوری حاصل از تحلیل محتوای اسناد، مبنا قرار گرفت و در ادامه، معیارهای فرهنگی برای دانشگاه‌های ایران، ارزش‌های بنیادی فرهنگی، تعالی فرهنگی و ترویج فرهنگی پیشنهاد و مهم‌ترین مفاهیم در هر معیار معرفی گردید. نتایج نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین کد در هر معیار به ترتیب ارزش‌های اسلامی، مرجعیت فرهنگی، ترویج فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی بوده است. **واژگان کلیدی:** آموزش عالی، اسناد فرادستی، فرهنگ، تحلیل محتوا، معیارهای فرهنگی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال هفتم • شماره بیست‌وهفتم • تابستان ۹۷ • صص ۲۲۵-۲۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۰

مقدمه

توجه به ارزش‌های فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران که برآمده از یک انقلاب دینی، ارزشی و فرهنگی است، بسیار زیاد است. بر این اساس تمرکز جدی بر جنبه فرهنگ و نهادینه شدن آن در بخش‌های مختلف را می‌طلبد؛ به گونه‌ای که بخش اعظم این جنبه، به صورت اهداف و آرمان‌ها در اسناد فرادستی کشور تبلور یافته و به عنوان یک اصل بسیار مهم و راهبرد اساسی در این اسناد به آن پرداخته شده است. با عنایت به جایگاه نظام آموزش عالی کشور، بخش زیادی از بار اجرایی و تحقق این ارزش‌ها و اهداف بر دوش این نظام گذاشته شده است. در سیاست‌های فرهنگی، بر ابعاد فرهنگی و تربیتی نظام آموزش عالی در پرتو ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی تأکید زیادی شده است (مرشدی و خلیج، ۱۳۹۲). همچنین رسالت نهادهای نظام آموزش عالی در قبال پیشرفت‌های دانشی، فرهنگی، اقتصادی و بهبود زندگی افراد جامعه، حکایت از ارزش و اهمیت جایگاه این نهادها دارد (مهدی، ۱۳۹۲). دانشگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نماد نظام آموزش عالی، نهادی اثرگذار در زمینه تحقق سیاست‌های فرهنگی محسوب می‌شود و با توجه به این که دانشگاه‌ها از عناصر فرهنگ‌ساز جامعه هستند، اهمیتی دوچندان دارند (ابراهیمی، عدلی و مهران، ۱۳۹۴) اما از سوی دیگر دانشگاه‌ها نهادهایی هستند که زمینه‌های تحقق سیاست‌های توسعه‌ای را نیز فراهم می‌کنند؛ تربیت نیروی انسانی متخصص، آموزش شهروندان فرهیخته، تولید دانش و دانش پژوهی، کمک به رفاه اقتصادی، پرورش نسل جدید و پیشگام در زمینه علوم و فنون، خدمات اجتماعی به مردم و جامعه، ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر، توسعه و انتشار یافته‌های علمی برای دستیابی به توسعه پایدار را می‌توان از کارکردهای مهم دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر دانست (پرزیناتو^۱ و مارکو^۲، ۲۰۱۵). در عصر حاضر، دانشگاه‌ها با چالش‌های جدی روبرو هستند. توسعه

1. Porzionato

2. Marco

روزافزون مراکز آموزش عالی، تقاضای بی‌سابقه برای آموزش عالی، سیستم‌های آموزش مجازی، بین‌المللی شدن آموزش عالی، توسعه مبتنی بر دانش، دستیابی به منابع بیشتر، جذب سرمایه‌های فکری بهتر و ارتقای جایگاه، منجر به تحول اساسی در ساختار و محتوای دانشگاه‌ها شده و نقش اولیه آن‌ها برای تولید و انتقال دانش به رهبری کلیه جریان‌های دانش در بستر اجتماعی تبدیل شده است (زارع بنادکوکي، وحدت زاد، اولیاء و لطفی، ۱۳۹۴). از این رو برای مقابله به چنین محیطی، یکی از راه‌حل‌ها، پذیرش تغییرات و انطباق با شرایط محیطی، توجه به مقوله‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی است.

در جوامعی همچون ایران که در پی ایده‌ها و آرمان‌های والای فرهنگی و ارزشی هستند، سیاست‌گذاری فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (نیک‌بین، ذاکر صالحی و ماحوزی، ۱۳۹۶). سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام‌های آموزش عالی و سازمان‌های علمی و آموزشی در جهت تبیین و درک رسالت‌ها، ارزش‌ها در حوزه فرهنگی و چگونگی پیاده‌سازی آن‌ها در فضای دانشگاه‌ها در چارچوب مأموریت و کارکردهای نظام آموزش عالی باید باشد (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۳). در بستر آموزش عالی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک نهاد فرهنگی و فرهنگ‌ساز مطرح هستند (امیری، زارعی متین و ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹). هر جامعه‌ای بر اساس الگوها و معیارهای ارزشی حاکم بر آن جامعه، ملاک‌های فرهنگی متفاوتی دارد. باید توجه داشت با وجود اشتراک‌ها و تعاملات بین فرهنگ‌های مختلف، فرهنگ هر جامعه تابع سازوکارهای مختص آن جامعه است (اسکولون، ۲۰۰۱)؛ بنابراین لازم است اقتضائات بومی و ارزشی جوامع در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دیده شود. از همین رو، رسالت دانشگاه‌های ایران با دیگر دانشگاه‌ها، به علت ساختارهای خاص حاکم بر نظام آموزش عالی کشور، با سایر کشورها متفاوت است. منظور از ساختارهای خاص، وجود نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز در آموزش عالی است. سیاست‌های مصوب این نهادها به وسیله اسناد فرادستی جهت اجرا به بخش‌های مختلف ابلاغ می‌شود. شناخت این سیاست‌ها در همه ابعاد مأموریتی سازمان‌ها دارای اهمیت است. ایجاد الگوی حرکتی بر اساس اسناد فرادستی آموزش عالی برای دانشگاه‌های کشور، از مهم‌ترین دغدغه‌هایی این مقاله است که در صدد پاسخ‌گویی به آن‌هاست. به همین منظور در این پژوهش، متن اسناد فرادستی بخش آموزش عالی کشور به‌عنوان اسناد راهبردی ابلاغی از سوی نهادهای

سیاست‌گذار کشور مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و مؤلفه‌های مؤثر بر این حوزه که مورد تأکید این اسناد است، استخراج می‌گردد. سپس برای همسویی حرکت دانشگاه‌ها با این اسناد، معیارهای مطلوب فرهنگی دانشگاه‌های ایران پیشنهاد می‌شود.

مقاله حاضر از ۵ بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، مروری بر پیشینه بر اساس مطالعات فرهنگی دانشگاه‌ها و تحلیل محتوایی اسناد مطرح شده است. بخش دوم، روش‌شناسی که تحلیل محتوایی کیفی اسناد فرادستی بخش آموزش عالی است را مورد اشاره قرار داده و فرآیند تحلیل محتوای اسناد تشریح شده است. در بخش سوم، تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد که متن اسناد بر اساس روش‌شناسی بیان‌شده، تحلیل و معیارهای مناسب فرهنگی استخراج می‌شود. در بخش چهارم، یافته‌های این پژوهش با نتایج دیگر پژوهش‌های مشابه مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش آخر، به جمع‌بندی نتایج و تحلیل‌ها اختصاص یافته است.

۱. پیشینه

پیشینه با توجه به اهداف این مقاله، در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش نخست، مطالعاتی که ابعاد فرهنگی دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار دادند، بررسی خواهد شد. پس از آن به بررسی مطالعاتی که ابعاد گوناگون اسناد فرادستی بخش آموزش عالی کشور را مورد تحلیل قرار داده‌اند، پرداخته می‌شود و در نهایت بر اساس دو بخش مورد بررسی، جمع‌بندی ارائه می‌شود و وجه تفاوت این پژوهش را بر اساس شکاف پژوهشی مطرح شده بیان می‌کند.

۱-۱. دانشگاه‌ها و ابعاد فرهنگی

تحولات دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزش عالی را با تغییرات عمده‌ای روبرو کرده است؛ به طوری که مأموریت‌های سنتی دانشگاه‌ها کاملاً متحول شده است (زارع بناد کوی، وحدت زاد، اولیاء و لطفی، ۱۳۹۵). امروزه از دانشگاه‌ها فقط آموزش و پژوهش انتظار نمی‌رود، بلکه نقش‌های جدیدی همچون مشارکت پررنگ در فرآیندهای اجتماعی و پاسخگویی در توسعه همه‌جانبه جوامع برای دانشگاه‌ها تصویر شده است؛ به گونه‌ای که امروزه مقوله فرهنگ به عنوان یکی از ابعاد فعالیت دانشگاه‌ها مطرح است. دانشگاه، نهادی

خودمختار و محل تلاقی دانش و فرهنگ است (دلانتی^۱، ۲۰۰۱). توجه به بعد فرهنگی دانشگاه‌ها در پژوهش‌ها از دیدگاه‌های مختلف توسط محققان موردبررسی قرار گرفته است که برخی از آن‌ها در ادامه موردبررسی قرار می‌گیرد.

رئوفی (۱۳۷۴) نقش دانشگاه در تقویت و توسعه فرهنگ در جامعه را در قلمروهای دسترسی به فرهنگ، آموزش و پروراندن فرهنگ و هنر، ارتقای خلاقیت و نوآوری، تشویق فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی، تقویت هویت فرهنگی، ارتقای مبادلات فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی و توسعه نگرش‌های قطعی در باب فرهنگ معرفی کرد. طایفی (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ دانشگاهی با عنوان فرهنگ علمی-پژوهشی ایران: بررسی قابلیت‌ها و تنگناها»، به شناسایی نقاط ضعف و قوت فرهنگ علمی-پژوهشی از ابعاد دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی سازمانی، ساختاری، روان‌شناختی و معرفی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی ایران در زمینه فرهنگ دانشگاهی با چالش‌های فراوانی، همچون ناکارآمدی فرهنگ دانشگاهی و تربیت افراد فرهیخته و ضعف در روحیه علمی و پژوهشی روبرو است. محسنی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها به بررسی هویت فرهنگی در دانشگاه‌های کشور پرداخته است؛ نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که بحران‌هایی چون احساس ناامیدی، از خودبیگانگی فرهنگی و بحران هویت، امید بستن به قدرت‌های بیگانه، کاهش هویت‌های دینی، ملی و تمایل به الگوپذیری خارج از کشور از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی است که دانشگاه‌های کشور را تهدید می‌کند. رشیدی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور پرداخته‌اند؛ نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که میان مؤلفه‌های کیفی در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی طی برنامه دوم و سوم توسعه، تفاوت چندانی وجود ندارد، ولی در خصوص شاخص‌های کمی میان دو برنامه تفاوت اساسی وجود دارد و عملکرد مجریان فرهنگی در برنامه دوم نیز تفاوت چندانی مشاهده نشد. حمیدی زاده (۱۳۸۴) در پژوهشی ابعاد فرهنگ دانش‌آفرینی دانشگاه‌ها را از تباطات دوجانبه، صداقت، حمایت و تشریک‌مساعی، بی‌طرفی، نبود تبعیض، صداقت، افتخار به دستاوردهای تیمی، رفاقت، احساس تعلق، مراقبت و حمایت از دیگران و افتخار به شغل فردی معرفی نمود.

زاهدی اصل (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ دانشگاهی»، به بررسی ویژگی‌های فرهنگ دانشگاهی و اخلاق حرفه‌ای در منابع علمی و نظرخواهی از اعضای هیئت علمی پرداخت؛ یافته‌های پژوهش وی، حکایت از آن دارد که به‌رغم تجربه طولانی و مرتبه علمی جمعیت مورد مطالعه، برداشت منسجم و تعبیر واضحی از مفاهیم اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ دانشگاهی وجود ندارد. توحیدلو (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی وضعیت فرهنگی دانشگاه آزاد رودهن با رویکرد اسلامی با استفاده از مدل چهاربعدی گلدن و استارک به تحلیل و اندازه‌گیری وضعیت مذهبی و اجتماعی اساتید و دانشجویان پرداخت؛ نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که اساتید این دانشگاه بیشترین مشارکت دینی، سیاسی و اجتماعی در فعالیت‌های فرهنگی و در نتیجه بالاترین وضعیت فرهنگی را دارند، همچنین مردان، دارای بیشترین مشارکت سیاسی و زنان، دارای بیشترین مشارکت اجتماعی هستند. صادقی (۱۳۹۱) در پژوهشی به تحلیل محتوای سند برنامه درسی ملی ایران برای شناسایی مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که در اسناد، توجهی نسبی به مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی در زمینه روش‌های ارزیابی پیشرفت تحصیلی شده است و به راهبردهای یادگیری توجه نشده است. کریمیان و احمدوند (۱۳۹۱) در پژوهشی با توجه به راهبردهای سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و تأکید بر فناوری‌های نوین اطلاعاتی در رسیدن به جایگاه برتر با توجه به نقش دانشگاه‌ها به ارائه چارچوب مفهومی حاصل از ارتباط سه مقوله هویت فرهنگی، جامعه اطلاعاتی و دانشگاه‌ها پرداختند. مرشدی و خلیج (۱۳۹۲) با پژوهشی به ارزیابی سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی کشور از جایگاه مدل کثرت در وحدت و همزیستی فرهنگ علمی/دانشگاهی و فرهنگ دینی پرداختند؛ یافته‌های پژوهش آن‌ها، حکایت از آن دارد که مدل کثرت در وحدت فرهنگی در عین حال که در سیاست‌های فرهنگی مورد نظر تا حدود قابل قبولی این مسئله را مورد توجه قرار داده، اما این سیاست‌ها مانند دیگر سیاست‌های فرهنگی کشور از مداخله نهفته و تصدی‌گرانه دولتی رنج می‌برد و ارزیابی آن‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی فرهنگی در بخش آموزش عالی به این موضوع توجه ندارد و تمهیدات نظری و عملی لازم برای همزیستی این دو دسته ارزش‌ها و هنجارها را فراهم ننموده است. ذاکر صالحی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی جایگاه فرهنگ دانشگاهی در زندگی دانشجویی پرداخت؛ هدف این پژوهش، تبیین ویژگی‌های زندگی دانشجویی در کشور ایران از زبان دانشجویان بود؛ نتایج پژوهش وی نشان داد که مضامین ذکر شده توسط

دانشجویان، معرف نبود کنشگری آنان در عرصه تولید و مصرف علم، نبود تمایز جدی پردیس با سایر محیط‌های جوانان، ضعف سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها، عادات، آیین‌ها و دستاوردهای آکادمیک در زندگی دانشجویی است و بیانگر ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن است و دغدغه‌های دانشجویان عمدتاً فردی، تماشاگرانه، منفعل و غیرایدئولوژیک است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی، به نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی پرداختند؛ آن‌ها در این پژوهش، به روش کیفی با مصاحبه با صاحب‌نظران مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی و دانش‌آفرینی را استخراج کردند؛ در این پژوهش مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی، استقلال دانشگاهی، آزادی علمی، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت، ارتباطات، مشارکت و کارگروهي، فرهنگ یادگیری، اعتماد بین اعضا، نظام پاداش‌دهی و ارزیابی معرفی شد. محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، الگویی برای آموزش چندفرهنگی در نظام آموزش عالی از دیدگاه متخصصان ارائه کردند؛ یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که ابتدا باید زیرساخت‌ها و پیش‌شرط‌های (سیاست‌گذاری و نیروی انسانی چندفرهنگی) فراهم شود و سپس با تکیه بر استراتژی‌های آموزشی کلان و خرد، به نیازهای متنوع فرهنگی دانشجویان از اقلیت‌های فرهنگی پاسخ داد.

ولیما^۱ (۱۹۹۸) به بررسی مطالعات فرهنگی و هویتی در آموزش عالی پرداخت؛ وی پژوهش‌ها را در این زمینه با دو نگاه رشته‌های فرهنگی و فرهنگ سازمانی بررسی نمود؛ نتایج پژوهش وی نشان داد که نگرانی‌های فرهنگی از پدیده‌های نهادی شکل می‌گیرد. لوکاس^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای نقش فرهنگ در انتقال دانش بر اساس ابعاد فرهنگی هافستد در شرکت‌های چندملیتی را مورد بررسی قرار داد؛ نتایج پژوهش وی نشان داد که انتقال دانش، زمانی موفقیت‌آمیز است که شرکت‌ها در فرهنگ‌های مشابه از نظر فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، با محوریت زنان در برابر محوریت مردان، فاصله قدرت و اجتناب از عدم قطعیت وجود دارد. نولد هربرت^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین توانمندسازهای فرهنگی سازمان دانش‌آفرین و عملکرد شرکت‌ها پرداخت؛ نتایج این پژوهش حکایت از این داشت که شرکت‌ها با سطح بالای اعتماد، فرهنگی را خلق می‌کنند که در آن تقسیم

1. Valimaa
2. Lucas
3. Nold Herbert

به تسهیم دانش تشویق می‌شوند. تیرنی و سبهاروال^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی فساد اداری از جنبه فرهنگ و اعتماد در آموزش عالی هند پرداختند؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه ایده فرهنگ سازمانی برای درک فسادهای نظام‌یافته و چه کسانی در مراکز دانشگاهی ممکن است با آن مقابله کنند، استفاده می‌شود. عبدالرحمان^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به شناسایی ابعاد تعالی فرهنگی در آموزش عالی مالزی پرداختند؛ با توجه به هدف آموزش عالی مالزی در جذب حداکثری دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های آن کشور، به ارتقاء سطح خدمات و بهره‌وری بالا کارکنان در عملکردهای کاری نیاز است؛ بدین منظور، توجه به جنبه‌های فرهنگی بین کارکنان بخش‌های دانشگاهی، رسیدن به این هدف را تسریع خواهد نمود.

۲-۱. پیشینه برنامه‌ریزی و اسناد فرادستی مرتبط با آموزش عالی

امروزه، توسعه جامعه به‌عنوان یکی از رسالت‌های کلیدی آموزش عالی مطرح است؛ دستیابی به چنین توسعه‌ای، نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی نقشه راه است. بدین منظور، بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، برای رشد و توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های توسعه میان‌مدت و بلندمدت تدوین می‌کنند. پیشینه برنامه‌ریزی به‌صورت رسمی در ایران، به اجرای آن در سال ۱۳۲۵ برمی‌گردد. فعالیت‌های منجر به تدوین این برنامه از سال ۱۳۱۶ شروع شده بود (ابتهاج، ۱۳۷۱). پس از تدوین اولین برنامه عمرانی، در سال ۱۳۲۷ به مجلس ملی تقدیم شد؛ تا پیروزی انقلاب اسلامی، شش برنامه تدوین و پنج برنامه اجرا شد (نوروززاده، شفیعی‌زاده و روحانی، ۱۳۹۲). سپس تا به امروز، شش برنامه توسعه دیگر تدوین شده است. تنظیم و اجرای تقریبی دوازده برنامه مرتبط با توسعه کشور، نشان‌دهنده سابقه و تجربه‌ای ارزشمند در زمینه = برنامه‌ریزی در کشور است. برخی از این برنامه‌ها که در دهه‌های اخیر تصویب و ابلاغ شده‌اند، بیشتر نقش راهبردی دارند؛ به جایگاه و اهمیت نظام آموزش عالی اشاره و با توجه به اهمیت دانشگاه‌ها و نقش آفرینی آن‌ها در توسعه، راهبردها و اهداف استراتژیک نظام آموزش عالی مشخص شده است.

بررسی پژوهش‌های مرتبط با اسناد فرادستی بخش آموزش عالی بیشتر مربوط به دو

1. Tierney & Sabharwal

2. Abdul Rahman

دهه اخیر است. جدول شماره ۱، خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در زمینه بررسی اسناد فرادستی بخش آموزش عالی را نشان می‌دهد:

جدول ۱: خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده در زمینه بررسی اسناد فرادستی مرتبط با آموزش عالی

ردیف	عنوان پژوهش	سال	یافته‌ها
۱	بازنگری تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه دوم توسعه (سیاری، ۱۳۷۴)	۱۳۷۴	عدم مشارکت دانشگاه‌ها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، کسر بودجه جاری و عمرانی، افت کیفیت آموزش و تحقیق و کاهش کار آیی دانشگاه‌ها، عدم ایجاد پایگاه اطلاعات آموزش عالی کشور، نبود دسترسی بهنگام به اطلاعات دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی.
۲	توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه اول، دوم و سوم توسعه ایران (تسلیمی، ۱۳۸۳)	۱۳۸۳	وجود برخی کاستی‌های برنامه توسعه همچون پیش‌بینی‌های غیرعلمی بر اساس روندهای گذشته، نهادینه نشدن نظام ارزشیابی مداوم، نبود ارزشیابی محیط‌های بیرونی و درونی، عدم مشارکت همه ذی‌نفعان در فرآیند برنامه‌ریزی و تقلیل مجموعه تصمیم‌گیران به جمع کوچکی از اعضای کمیته برنامه‌ریزی و تدوین نشدن شاخص‌های کلیدی عملکرد.
۳	آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بخش آموزش عالی (داودی، ۱۳۸۶)	۱۳۸۶	عوامل پیش برنده اجرای برنامه توسعه آموزش عالی عبارت‌اند از الزامات فنی، قانونی، عمومی، مدیریتی، فرهنگی و ساختاری.
۴	آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بخش آموزش عالی به‌منظور ارائه راهبردهای مناسب (اجتهادی و داودی، ۱۳۸۶).	۱۳۸۶	موانع و آسیب‌های اصلی اجرای برنامه‌های توسعه نظام آموزش عالی عبارت‌اند از: ساختار وظیفه‌ای، عدم انطباق ساختار با ویژگی‌ها و محیط و اهداف برنامه‌ها. پیشنهادها: به‌کارگیری سه راهبرد فرهنگ مشارکتی، مدیریت ترکیبی یا نظام‌مند و ساختار ماتریسی.
۵	تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین به‌منظور استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعه پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری (نوروززاده، فتحی و اجارگاه و کیزوری، ۱۳۸۸).	۱۳۸۸	سیاست‌های محوری استخراج شده عبارت‌اند از: فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توانمندسازی منابع انسانی و توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های فرا بخشی و بین‌المللی، پاسخ‌گویی، تشویق و مشارکت.
۶	تحلیل محتوای پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور و پیشنهاد الگوی ارزیابی آن (ذاکرسالچی و ذاکرسالچی، ۱۳۸۸).	۱۳۸۸	مفاهیم علمی و فناوری، اقتصادی، مدیریتی، جامعه‌شناختی، فرهنگی، آینده‌پژوهی، سیاسی و حقوقی به ترتیب بیشترین سهم را در ساختار مفهومی دارند. در نهایت یک الگوی ۱۸ مؤلفه‌ای برای ارزیابی نقشه جامع علمی کشور پیشنهاد شد.
۷	نقش علم و فناوری در برنامه‌های توسعه ملی (اریاب‌شیرانی و خاکباز، ۱۳۹۰)	۱۳۹۰	ضرورت توجه به اجزای اصلی توسعه (آموزش، پژوهش و فناوری) در تدوین طرح و برنامه‌های توسعه و ضعف برنامه‌های کشور در زمینه

		توجه به امر فناوری و تدوین راهبردهای دقیق برای توسعه فناوری.	۱۳۹۰).
۸	۱۳۹۲	سیاست‌های محوری حاصل از تحلیل اسناد در حوزه‌های فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توانمندسازی منابع انسانی و توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های فرا بخشی و بین‌المللی، پاسخگویی، تشویق و مشارکت طبقه‌بندی شدند. نهایتاً، مواد قانونی بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم بخش علم و فناوری با سیاست‌های محوری فوق مطابقت داده شد. مشخص شد در بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه، سیاست‌های محوری اسناد موردتوجه قرار گرفته است.	ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی (نوروززاده، شفیع‌زاده و روحانی، ۱۳۹۲).
۹	۱۳۹۳	با روش توصیفی-تحلیلی، جایگاه و موقعیت آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور تحلیل و ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش‌بینی‌شده در نقشه جامع علمی شناسایی شد.	جایگاه آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور (رضاء، ۱۳۹۴).
۱۰	۱۳۹۴	تغییر در جهت‌گیری و نگرش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور در طول برنامه پنج توسعه، از مدل‌های حکمرانی دولت‌گرا به مدل‌های حکمرانی هومبولتی و بازار محور تغییر یافته و میزان توجه به برخی از کارکردهای استقلال دانشگاهی در طی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه، بیش از سایر برنامه‌ها بوده است که نشان‌دهنده تعامل بین ابعاد ساختاری و کارکردی استقلال دانشگاهی در طی برنامه‌های توسعه است.	تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی (فتح‌الهی، یمنی، صباغیان، فراستخواه و قاضی طباطبائی، ۱۳۹۴).
۱۱	۱۳۹۵	گزاره‌های الزام‌آور برای دانشگاه‌ها از اسناد فرادستی آموزش عالی انتخاب و ۳۶ مفهوم در شش محور به روش تحلیل محتوا گروه‌بندی شدند. معیارهای آموزشی، پژوهش و فناوری، تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی، کارآفرینی و خلق ثروت، کمک به توسعه پایدار و تعاملات بین‌المللی و فرا بخشی برای رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران پیشنهاد شدند. تأثیرگذارترین مفاهیم؛ پژوهش تقاضامحور، آموزش تقاضامحور، آموزش و پژوهش مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، توجه به محیط‌زیست و همکاری‌های بین‌المللی مشخص شدند.	بررسی و استخراج معیارهای مؤثر بر رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد فرادستی (زارع بنادکوی، وحدت زاد، اولیاء و لطفی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های بررسی شده در جدول فوق، نشان می‌دهد که در تدوین برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه با توجه به شرایط موجود، کمتر به نقش دانشگاه‌ها و جایگاه‌ها آن‌ها در توسعه کشور توجه شده است، ولی در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه، سرفصل‌هایی برای آموزش عالی و دانشگاه‌ها اختصاص داده شده است. مطالعات انجام‌شده در خصوص تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه و اسناد مرتبط با بخش آموزش عالی نشان می‌دهد که مفاهیم، فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری و همکاری‌های فرا بخشی و بین‌المللی بیشترین وزن را دارند.

۳-۱. جمع‌بندی پیشینه پژوهش

موارد بیان‌شده در بخش ۲-۱، نشان می‌دهد که در بررسی ابعاد و زمینه‌های فرهنگی در آموزش عالی، بیشتر مطالعات با دیدگاه نظری صورت گرفته است و روش انجام آن‌ها، بیشتر به صورت نظرسنجی از طریق مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط با این حوزه بوده است و کمتر از دیدگاه اسناد راهبردی و ابلاغ‌شده از نهادهای سیاست‌گذار به جنبه فرهنگی آموزش عالی پرداخته‌اند؛ به عبارت دیگر، در این مطالعات کمتر به تحلیل الزامات فرهنگی از منظر اسناد فرادستی بخش آموزش عالی توجه شده است. همچنین با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در بخش ۲-۲ که در زمینه تحلیل محتوای اسناد فرادستی است، این بررسی‌ها بیشتر جنبه ارزیابی محتوایی و تحلیل سیاست‌های استخراج‌شده در این اسناد را دارد و آنچه کمتر به چشم می‌خورد، این است که به جنبه‌های الزام‌آور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای دستیابی به اهداف کلان کشور پرداخته شده باشد. از این رو شکاف تحقیقاتی موجود، توجه به الزامات حرکتی دانشگاه‌ها و ارزیابی عملکرد فرهنگی آن‌ها بر اساس تحلیل محتوای اسناد فرادستی است. با عنایت به این که در تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه، به طور کلی مقوله فرهنگ بیشترین وزن را دارد، توجه به این مقوله در آموزش عالی می‌تواند سمت‌وسوی حرکت نهادهای آموزش عالی (دانشگاه‌ها) را بیش‌ازپیش تبیین کند. به همین منظور در این پژوهش، مبنای تعریف مفاهیم و معیارهای فرهنگی دانشگاه‌ها، تحلیل محتوای متن این اسناد قرار خواهد گرفت.

۲. روش‌شناسی پژوهش

جهت‌گیری این پژوهش، با توجه به نتایج آن که می‌تواند مورد استفاده پژوهش‌گران، دانشجویان، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار گیرد؛ کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. با عنایت به این که متون اسناد فرادستی از جمله منابع اطلاعاتی مهم در سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها و عملکرد آن‌ها به شمار می‌روند. واحد تحلیل پژوهش، متن اسناد فرادستی حوزه آموزش عالی است؛ بنابراین روش تحلیل، تحلیل محتوای کیفی متون اسناد است. بدین صورت که با رویکرد استقرایی به بررسی متون اسناد فرادستی به شناسایی معیارهای تأثیرگذار فرهنگی دانشگاه‌ها پرداخته می‌شود.

برای انتخاب اسناد در گام نخست نهادهای حاکمیتی و سیاست گذار در زمینه ارزیابی و عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شناسایی شدند؛ مصوبه‌ها و قوانین ابلاغی از این نهادها نقش تأثیرگذاری در ترسیم جهت حرکتی دانشگاه‌ها دارند. در گام بعدی با مطالعه پژوهش‌های مشابه، فهرستی از اسناد مورد تحلیل در آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. سپس با جمع‌بندی مطالعات مشابه و نهادهای حاکمیتی فهرستی از اسناد، جهت تحلیل در این مقاله تهیه شد. از این رو اسناد مورد تحلیل در این پژوهش که به صورت نمونه هدفمند و در دسترس برای مطالعه انتخاب شدند، در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲: اسناد فرادستی در بخش آموزش عالی.

ردیف	عنوان سند	مرجع تصویب	سال
۱	سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۸۲
۲	ابلاغیه سیاست‌های کلی نظام (بخش علم و فناوری)	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۳
۳	نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۹
۴	سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۵
۵	قانون برنامه پنجم توسعه کشور	مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۹
۶	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت عتف	مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۳
۷	مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی	شورای عالی انقلاب فرهنگی	--

بررسی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که این مصوبات تعدد و تنوع بالایی دارند؛ به همین منظور مصوباتی که نقش دستورالعمل و قانون اجرایی برای دانشگاه‌ها و بخش‌های آموزش عالی داشتند و مربوط به بیست سال اخیر بودند، در نظر گرفته شد.

با توجه به این که داده‌های اولیه در این پژوهش از نوع متن هستند، مناسب‌ترین روش، تحلیل محتوای^۱ متن اسناد فرادستی است. فرآیند تحلیل محتوای اسناد با استفاده از روش گال^۲ (۱۳۹۱)، طی پنج مرحله به شکل زیر صورت گرفت:

مرحله (۱) شناسایی گزاره: در این مرحله، متن هر یک از اسناد به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت و مفاد مرتبط با آموزش عالی شناسایی شد. سپس گزاره‌های الزام‌آور برای دانشگاه‌ها انتخاب شد. انتخاب هر یک از گزاره‌ها بر اساس مفهوم و تطابق آن با مأموریت،

1. Content analysis

2. Gall

کارکرد و انتظارات دانشگاه‌ها در حوزه فرهنگ استخراج و نشانه‌گذاری گردید.

مرحله ۲) مقوله‌سازی: بر اساس تفسیر هر یک از گزاره‌های استخراج‌شده در مرحله قبل مقوله‌سازی صورت گرفت. سعی شد هر مقوله، نماینده یک متغیر متفاوت پشتیبان مأموریت فرهنگی دانشگاه‌ها باشد.

مرحله ۳) شناسایی کدها: هر یک از گزاره‌های منتخب، با توجه به مفهوم، برای قرار گرفتن در هر مقوله نشانه‌گذاری شد. در این مرحله محتوای هر یک از گزاره‌های انتخاب‌شده به صورت جداگانه در هر سند از نظر مفهومی تفسیر و کدهای مربوطه به هر یک از گزاره‌ها اختصاص یافت. این مرحله به کدگذاری باز مشهور است.

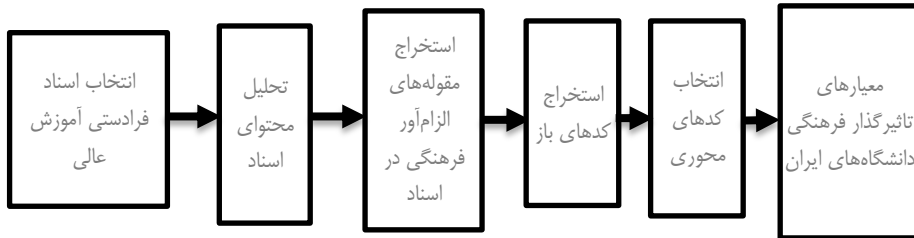
مرحله ۴) تخلص کدها: در این گام، برای درک بنیادین هر یک از مفاهیم و جلوگیری از هم‌پوشانی مفهومی در تحلیل‌ها، در این گام مبادرت به تشکیل جلسات معینی برای فهم مبانی و کدها در جهت مأموریت و الزامات فرهنگی دانشگاه‌ها توسط محققان با حضور یک خبره و در نظر گرفتن یک سند اصلی به عنوان نمونه (نقشه جامع علمی کشور) مقوله‌ها و گزاره‌های منتخب بارها و بارها مورد بازخوانی و تحلیل‌ها مورد تأیید قرار گرفت و سرانجام الگوی مقوله‌ها تبیین گردید. پس از یکتا و تخلص شدن کدهای باز، داده‌های موجود در نرم‌افزار بر اساس اصلاحات انجام‌شده مورد بازبینی قرار گرفت و تحلیل متون مجدداً صورت گرفت.

مرحله ۵) کدگذاری محوری: در این مرحله، مجموعه‌ای از مفاهیم بر محور یک مقوله اصلی گروه‌بندی می‌شوند که هم‌پوشانی مفهومی دارند. در این پژوهش خوشه‌های مفهومی که تشکیل دهنده کد محوری هستند، از انتظارات و رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها برگرفته شد. روش متداول برای صحت‌گذاری کدگذاری محوری، تطابق مشابهت خبره‌محور است. در این پژوهش برای انجام مشابهت از نظر دو خبره در دسترس به صورت جداگانه که در حوزه‌های مختلف فرهنگی آموزش عالی مسئولیت داشتند و به مقوله‌ها از نظر مفهومی اشراف علمی لازم را داشتند، در کدگذاری و تخصیص کدمحوری استفاده شد.

برای انسجام نتایج و تحلیل دقیق داده‌ها چندین نرم‌افزار در این زمینه وجود دارد؛ با بررسی انجام‌شده توسط محقق، با توجه به اینکه اسناد مورد تحلیل در این پژوهش، متون فارسی هستند. در بین نرم‌افزارهای موجود، نرم‌افزار اتلس تی^۱ که قادر است متون فارسی را

با قالب‌ها متفاوت، بخواند انتخاب شد؛ برای تحلیل، از نسخه ۶ این نرم‌افزار استفاده شد. فرآیند این پژوهش در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱: فرآیند اجرای پژوهش



در این پژوهش، سؤالات تحقیق به شرح زیر است که پاسخ به آن، فرآیند پژوهش را هدایت می‌کند.

- مفاهیم فرهنگی مرتبط با رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها (الزام‌آور) در تحلیل محتوای متن اسناد فرادستی در بخش آموزش عالی کدام‌اند؟

- معیارهای فرهنگی مناسب برای دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد فرادستی کدام‌اند؟

سؤال نخست به تحلیل محتوای متن اسناد فرادستی آموزش عالی پرداخته و مفاهیم مرتبط با الزامات فرهنگی دانشگاه‌ها استخراج خواهد شد. سؤال دوم از این موضوع سرچشمه می‌گیرد که پس از استخراج مفاهیم مندرج در اسناد فرادستی به دست آمده در جواب سؤال اول با توجه به تکمیل کدگذاری و انجام کدمحوری بر اساس کارکردها و رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها دسته‌بندی خواهند شد. سؤالات مطرح شده در این تحقیق در امتداد یکدیگرند به طوری که با پاسخ به سؤال اول، سؤال دوم مطرح می‌شود.

۳. تحلیل داده‌ها

۳-۱. تحلیل محتوای اسناد فرادستی بخش آموزش عالی کشور

برای گزینش اسناد فرادستی معرفی شده در بخش روش‌شناسی جهت تحلیل محتوا، اسنادی انتخاب شدند که اهداف کلان، الزامات و نقشه راه آموزش عالی را تبیین کنند، هم‌پوشانی کمتری داشته باشند، به تصویب نهادهای سیاست‌گذار و راهبردی کشور رسیده و در منابع مشابه دیگر به آن اشاره شده باشند. از این رو هفت سند فرادستی مربوط به بخش آموزش

عالی کشور انتخاب و محتوای آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. جدول شماره ۳، فراوانی گزاره‌ها و کدهای باز به تفکیک هر یک از اسناد بر اساس فرآیند پنج‌گانه تحلیل محتوای اسناد، ذکر شده در بخش روش‌شناسی را نشان می‌دهد:

جدول ۳: فراوانی گزاره‌های الزام‌آور و تعداد کدهای مستخرج در اسناد فرادستی آموزش عالی.

ردیف	عنوان سند	فراوانی گزاره‌های الزام‌آور	تعداد کد استخراج‌شده
۱	سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور	۱۰	۲۹
۲	ابلاغیه سیاست‌های کلی نظام (بخش علم و فناوری)	۱۵	۲۹
۳	نقشه جامع علمی کشور	۲۰	۹۳
۴	برنامه ششم توسعه	۷	۱۳
۵	قانون برنامه پنجم توسعه کشور	۶	۱۰
۶	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت عتف	۵	۱۵
۷	مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۵	۳۵

با توجه به این که برخی از این اسناد منحصرأ به دانشگاه‌ها نپرداخته‌اند، در تحلیل محتوای اسناد، گزاره‌های الزام‌آور برای دانشگاه‌ها در حوزه فرهنگ از نظر مفهومی استخراج و در نرم‌افزار نشانه‌گذاری شدند. از ۷۸ گزاره مورد تحلیل، مجموعاً ۲۲۴ مفهوم به صورت کدهای باز اولیه استخراج شد؛ سپس، مفاهیم استخراج‌شده تجمیع و مفهومی مشترک و نامرتب حذف شد؛ در نتیجه، ۱۰۶ مفهوم حاصل شد. مفاهیم حاصل از نظر مفهومی و معنایی چندین بار توسط محققان با تشکیل جلساتی منظم مورد بازبینی و بازتعریف قرار گرفت تا هر چه بهتر پالایش و تخلیص و مرتبط با مباحث فرهنگی دانشگاه‌ها باشند. برخی از آن‌ها با یکدیگر ادغام و برخی که نامربوط بودند، حذف شد و سرانجام مفاهیم نهایی به دست آمده به عنوان کدهای باز معرفی گردید.

برای درک هر چه بیشتر کدهای باز استخراج‌شده، تعریف مختصری از آن‌ها بر اساس محتوای متنی اسناد فرادستی، ارائه شد؛ تعاریف ارائه‌شده بر اساس متون اسناد و برداشت‌های محققان صورت گرفته است. فراوانی هر یک از کدها در کل اسناد، نشان‌دهنده میزان تکرار هر کد در محتوای متنی اسناد است. جدول شماره ۴، عناوین کدهای باز همراه با تعریف مختصر آن را نشان می‌دهد:

جدول ۴: کدهای باز استخراج شده در تحلیل اسناد فرادستی آموزش عالی.

ردیف	کد باز	فراوانی	تعریف
۱	ارزش‌های اسلامی	۴۳	احیای فرهنگ اسلامی و دینی در فعالیت‌های دانشگاه‌ها
۲	هویت ملی	۱۲	تقویت ارزش‌های تمدنی و تاریخی در سطح دانشگاه
۳	اخلاق محوری	۱۱	تقویت و ترویج ارزش‌های اخلاقی در نظام آموزش عالی
۴	ترویج فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی	۱۱	توانمندسازی سرمایه‌های انسانی با پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری و نهادینه کردن فرهنگ مهارت‌گرایی و کارآفرینی در آن‌ها
۵	مرجعیت فرهنگی	۹	ایفای جایگاه مرجعیت فرهنگی دانشگاه در تسهیل‌گری و پیشسازی در امور کلان کشور و رجوع به آن
۶	تقویت روحیه همکاری و مشارکت	۹	تقویت روحیه مشارکت و کارگروهی در کلیه فعالیت‌های دانشگاه
۷	ارتقای فرهنگی	۶	نهادینه کردن فعالیت‌های علمی و آموزشی بر اساس ارزش‌های فرهنگی
۸	آزاداندیشی	۶	تکیه بر فطرت آزادی‌انسان و تقویت آن در فعالیت‌های دانشگاه‌ها
۹	خودباوری	۶	تقویت روحیه باورمندی و تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادها در افراد
۱۰	عدالت محوری	۵	گسترش و تقویت گفتمان عدالت‌خواهی در سطح دانشگاه
۱۱	ترویج گفتمان علمی	۴	تقویت گفتمان علمی در ایجاد فضای مناسب برای تولید علم و راهکارهای عملیاتی جهت حل مسائل کشور
۱۲	استقلال فرهنگی	۴	تمرکز بر ارزش‌های غنی اسلامی و انقلابی و عدم وابستگی به فرهنگ‌های غربی
۱۳	تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری	۴	ارتقای سطح تعهد و ترویج فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در برابر خدا، خود و جامعه
۱۴	ترویج فرهنگ وقف و خیریه	۳	حمایت از مشارکت مردم و نهادهای عمومی و غیردولتی در گسترش فرهنگ وقف و خیریه در حوزه‌های آموزش عالی
۱۵	فرهنگ‌سازی عمومی	۳	کمک به ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جامعه
۱۶	توجه به اولویت‌های فرهنگی	۲	پرداختن به اولویت‌های فرهنگی جامعه در کلیه برنامه‌های دانشگاه
۱۷	تقویت شایسته‌سالاری	۲	استفاده از الگوی شایسته‌سالاری در انتصاب افراد و ترویج آن
۱۸	توجه به دستاوردهای فرهنگی	۲	معرفی دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی و ترویج محصولات فرهنگی
۱۹	ترویج علم دوستی، مطالعه و تحقیق	۲	توسعه فرهنگ مطالعه و تقویت روحیه پژوهش، پرسش‌گری و حقیقت‌جویی
۲۰	توجه به ارزش‌های اجتماعی	۲	ترویج و تقویت ارزش‌های اجتماعی با تکیه بر ظرفیت‌های موجود در آموزش عالی
۲۱	الگوسازی فرهنگی	۲	معرفی و ارج نهادن به برترین‌های عرصه فرهنگی در جامعه و بها دادن به آن‌ها
۲۲	تولید فناوری‌های نرم	۲	توسعه و تولید فناوری‌های مرتبط با رفتار انسان در جهت فعالیت‌های مطلوب فرهنگی
۲۳	دانش‌افزایی فرهنگی	۲	ارتقای سطح دانش در امور فرهنگی در سطح آموزش عالی

همان گونه که از اطلاعات جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، فراوانی هر کد، مبین اهمیت آن است که از این به بعد، وزن هر کد نامیده می‌شود. همچنین با توجه به مفهوم هر کد و مقایسه آن‌ها باهم، تفاوت در مفهوم هر کد مشاهده می‌شود. برای تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار، برای هر کد با توجه به مفهوم آن یک نماد در نظر گرفته شد.

۳-۲. استخراج معیارهای فرهنگی دانشگاه‌های ایران بر اساس اسناد فرادستی

کدهای باز استخراج شده در مرحله قبل به صورت محوری کد گذاری شدند. کد گذاری محوری با توجه به مفهوم هر کد و تفاوت هر یک از مفاهیم در مقایسه با دیگر کدها، انجام شد. برای ساختن عناوین خوشه‌ها در کد گذاری محوری، از نظر مفهومی، کدها باهم مقایسه شدند. سرگروه هر دسته از کدها، کدی با بیشترین فراوانی در اسناد مشخص شد. برای اعتبارسنجی کد گذاری محوری از روش تطابق مشابَهت خبره محور بهره گرفته شد، خبرگان از بین مسئولین فرهنگی چند دانشگاه در دسترس که به امور فرهنگی دانشگاه‌ها آشنایی کامل داشتند، انتخاب گردید. برای انجام نظر خبرگان، فهرست کدها در اختیار آن‌ها قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که کدها را گروه بندی کنند. نتایج نظر خبرگان در اولین برداشت، مطابقت ۲۱ کد در گروه‌ها را نشان می‌داد که تأیید اولیه شباهت ۹۱ درصدی را بیان می‌کند؛ برای رفع ۹ درصد عدم تطابق، جلسات منظمی با خبرگان و محقق جهت بررسی عمیق مفاهیم با توجه به تعاریف آن‌ها تشکیل شد؛ جهت رفع اختلاف نظر، موضوع با گفتگو و تبادل نظر در دسته بندی‌ها حل و فصل گردید و سپس نتایج جهت درج در پژوهش تحلیل شدند. جدول شماره ۵، کد گذاری محوری نهایی کدهای باز را نشان می‌دهد:

جدول ۵: کدهای باز و محوری مستخرج از اسناد فرادستی آموزش عالی.

کد محوری	کد باز	کد محوری	کد باز	کد محوری
ارزش‌های بنیادی فرهنگی	ارزش‌های اسلامی	ترویج فرهنگی	ترویج فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی	تعالی فرهنگی
	اخلاق محوری		تقویت روحیه همکاری و مشارکت	
	عدالت محوری		ترویج گفت‌وگو علمی	
	آزاداندیشی		ترویج فرهنگ وقف و خیریه	
	تقویت شایسته‌سالاری		ترویج علم دوستی، مطالعه و تحقیق	
	هویت ملی		فرهنگ‌سازی عمومی	
	خودباوری		دانش‌افزایی فرهنگی	
	استقلال فرهنگی		تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری	
توجه به ارزش‌های اجتماعی				
مرجعیت فرهنگی				
ارتقای فرهنگی				
توجه به اولویت‌های فرهنگی				
توجه به دستاوردهای فرهنگی				
الگوسازی فرهنگی				
تولید فناوری‌های نرم				

با توجه به نتایج جدول شماره ۵ در تحلیل محتوای اسناد فرادستی، در هر دسته با توجه به فراوانی هر کد، شاخص‌ترین کدها شناسایی شدند. از این رو ارزش‌های اسلامی، هویت ملی در بعد ارزش‌های بنیادی فرهنگی، ارتقای فرهنگی و مرجعیت فرهنگی در بعد تعالی فرهنگی، ترویج فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و همکاری و مشارکت در بعد ترویج فرهنگی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها محسوب می‌شوند. برای درک هر کدام از معیارهای فوق، به تعریف مختصری از هر کدام در جدول شماره ۶ اشاره شده است:

جدول ۶: تعریف معیارهای فرهنگی دانشگاه‌های ایران.

ردیف	معیار	تعریف
۱	ارزش‌های بنیادی فرهنگی	توجه به ارزش‌های دینی و ایرانی در آموزش، تربیت و توانمندسازی نیروی انسانی کارآمد مورد نیاز جامعه.
۲	تعالی فرهنگی	ارتقای سطح توانمندی‌های فرهنگی دانشگاه‌ها و ارتقا سطح رجوع مسائل فرهنگی جامعه به دانشگاه‌ها در حد مطلوب
۳	ترویج فرهنگی	توسعه فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها و ارتقای سطح شناخت جامعه از فرهنگ دینی و ملی

معیارهای فوق از نظر لغوی، با ترکیب و در برگیری برخی مفاهیم مورد بازبینی قرار گرفت. این معیارها می‌تواند مبنایی برای طراحی شاخص‌های فرهنگی بر اساس کدهای باز دربرگیرنده هر معیار در بخش‌های آموزش عالی کشور قرار گیرند.

۴. بحث

بررسی مطالعات صورت گرفته در زمینه مباحث فرهنگی در دانشگاه‌ها که در بخش پیشینه آمده است، نشان می‌دهد که یافته‌های این پژوهش از دو جنبه محتوایی و تکنیکی با پژوهش‌های مشابه قابل بحث است؛ نخست مفاهیم استخراج شده در این پژوهش با نتایج برخی از پژوهش‌های مشابه مقایسه و مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های مشابه که از تکنیک تحلیل محتوا در بررسی اسناد فرادستی آموزش عالی استفاده نمودند، قابل مقایسه خواهد بود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

یافته‌های پژوهش رئوفی (۱۳۷۴) که به نقش دانشگاه در تقویت و توسعه فرهنگ در جامعه پرداخت، نشان می‌دهد که تقریباً همه مقوله‌های به دست آمده در این پژوهش، قلمروهای بیان شده در پژوهش وی را پوشش می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر با توجه به مفاهیم استخراج شده از اسناد فرادستی، همچون توجه به ارزش‌های اسلامی، هویت ملی، اخلاق محوری، دانش‌افزایی فرهنگی و ترویج علم دوستی، مطالعه و تحقیق؛ چالش‌های مطرح شده در پژوهش طایفی (۱۳۷۸) را مرتفع می‌سازد. بر اساس نتایج پژوهش محسنی (۱۳۸۳) که به آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها پرداخته است، در تحلیل محتوای اسناد فرادستی آموزش عالی در این پژوهش، با استخراج مفاهیمی همچون ارزش‌های اسلامی، هویت ملی، مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری، خودباوری و استقلال فرهنگی به نوعی این بحران‌ها پوشش داده خواهد شد. در پژوهش رشیدی و همکاران (۱۳۸۴) که به برجسته بودن شاخص‌های کیفی در برنامه‌های فرهنگی برنامه دوم و سوم توسعه اشاره دارد، تأییدی بر نتایج این پژوهش است که به استخراج معیارهای فرهنگی اسناد مرتبط با آموزش عالی پرداخته است که غالباً کیفی هستند. مفاهیمی همچون تقویت روحیه همکاری و مشارکت، اخلاق محوری، مرجعیت فرهنگی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری و خودباوری بیان شده در این پژوهش، به نوعی ابعاد فرهنگ دانش‌آفرینی دانشگاه‌ها که توسط حمیدی زاده (۱۳۸۴) بیان شده است را مورد تأیید قرار می‌دهد. ارائه مفهوم ترویج گفتمان علمی در این پژوهش، راه‌حلی برای دغدغه بیان شده در پژوهش

زاهدی اصل (۱۳۸۶) است که مورد توجه قرار گرفته است. توجه به مفهوم ارزش‌های اسلامی و هویت ملی در استخراج معیارهای مناسب فرهنگی از اسناد فرادستی در این پژوهش، تأییدی بر یافته‌های پژوهش توحیدلو (۱۳۸۷) است. مفاهیم ارائه شده در این پژوهش، همچنین یافته‌های پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) که به استخراج مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه صاحب‌نظران پرداخته است را مورد تأیید قرار می‌دهد.

یافته پژوهش داودی (۱۳۸۶) که به آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بخش آموزش عالی به منظور ارائه راهبردهای مناسب پرداخت، حکایت از آن دارد که یکی از عوامل پیش‌برنده اجرای برنامه توسعه آموزش عالی، الزامات فرهنگی است که در این پژوهش موضوع اصلی قرار گرفته است. نوروززاده و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی که به استخراج و استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعه پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری از طریق تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین پرداخته‌اند، فرهنگ را یکی از سیاست‌های محوری بیان نمودند که این سیاست، تأییدی بر انجام این پژوهش در این زمینه است. یافته‌های پژوهش ذاکر صالحی و همکارش (۱۳۸۸) که پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور را تحلیل محتوا کردند، دقیقاً مقوله فرهنگی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ارزیابی نقشه جامع علمی کشور معرفی کردند که موضوع اصلی این پژوهش است. نوروززاده و همکاران (۱۳۹۲)، به ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی پرداختند؛ آنها حوزه فرهنگ را یکی از محورهای ارزیابی بیان نمودند؛ یافته‌های پژوهش حاضر که در این زمینه است، تأییدی بر نتایج پژوهش آنهاست. در پژوهش زارع بنادکوکي و همکاران (۱۳۹۵) که به بررسی و استخراج معیارهای مؤثر بر رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد فرادستی پرداخته است، معیار تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی، یکی از محورهای مؤثر بر رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور معرفی شده است که در این پژوهش هم به آن پرداخته شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه توجه به مسائل فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی، به‌عنوان یک نهاد فرهنگی که در شکل‌گیری فرهنگ عمومی هر جامعه نقش اساسی دارد، بسیار حائز اهمیت است. مقوله فرهنگ، در بیشتر سازمان‌ها و از جمله دانشگاه‌ها از نگاه‌های مختلف قابل

تفسیر و ارزیابی است. داشتن ملاک‌های متقن و حساب‌شده، می‌تواند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی را در رسیدن و پرداختن به این مقوله موفق نماید و با پایش هدفمند، ساختاریافته و دقیق عملکرد در این زمینه به ارتقای مداوم کیفیت این نهادها دست یافت. با توجه به اهمیت موضوع و ویژگی‌های حاکم بر نظام آموزش عالی کشور، به نظر می‌رسد اسناد فرادستی آموزش عالی به‌عنوان راهبردهای ابلاغی از نهادهای سیاست‌گذار، می‌تواند مبنای تبیین معیارهای فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی باشد. به‌رغم اهمیت این اسناد در تدوین نقشه راه و جهت دادن به حرکت بخش‌های مختلف آموزش عالی به‌ویژه جنبه‌های فرهنگی و مطالعات صورت گرفته، پژوهش‌های اندکی در زمینه تحلیل جزئیات فرهنگی و الزامات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مندرج در این اسناد صورت گرفته است. یکی از محدودیت‌هایی که تحقیق حاضر با آن مواجهه بود، عدم بسط و اشاعه اهداف کلان سیاست‌گذاری علم و فناوری در برنامه‌های توسعه‌ای پیشین کشور است که جامع‌نگری اسناد فرادستی در این حوزه را با تردید مواجه می‌کند، اما توجه به این نکته مهم است که به‌رحال این اسناد به‌عنوان راهبردهای اساسی از نهادهای سیاست‌گذار به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است و به‌نوعی مبنای اجرایی دارد.

در این مقاله، دو سؤال مطرح شد که در این بخش بر اساس یافته‌ها به‌طور مختصر پاسخ‌های آن ارائه خواهد شد. اولین سؤال، به تحلیل مفاهیم مرتبط با رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها مندرج در اسناد فرادستی مرتبط با آموزش عالی می‌پردازد. پاسخ این سؤال که حاصل تحلیل محتوای مفهومی گزاره‌های الزام‌آور فرهنگی برای دانشگاه‌ها در متون اسناد فرادستی است. نتیجه تحلیل محتوا از ۷۸ گزاره، ۲۲۴ مفهوم مرتبط با اهداف پژوهش استخراج و تجمیع شد؛ با پالایش چندمرحله‌ای مفاهیم، ۱۰۶ مفهوم حاصل گردید. کدها از نظر مفهومی چندین مرتبه مورد بازبینی مفهومی قرار گرفتند و سرانجام ۲۳ مفهوم یکتا به دست آمد. نتایج در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. سؤال دوم؛ به پیشنهاد معیارهای فرهنگی مناسب برای دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد فرادستی اشاره دارد. پاسخ به این سؤال در ادامه روش تحلیل محتوای متن اسناد است که با توجه به کدگذاری باز انجام شده و به دست آمدن مفاهیم، کدگذاری محوری صورت گرفت. در نتیجه سه مقوله ارزش‌های بنیادی فرهنگی، تعالی فرهنگی و ترویج فرهنگی دربرگیرنده کدهای محوری، اسناد فرادستی آموزش عالی کشور پیشنهاد شدند. با توجه به نتایج تحلیل محتوای اسناد، مفاهیم ارزش‌های اسلامی، هویت ملی و اخلاق محوری در بعد ارزش‌های بنیادی فرهنگی، مفاهیم

ارتقای فرهنگی و مرجعیت فرهنگی در بعد تعالی فرهنگی، ترویج فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و تقویت روحیه همکاری و مشارکت در بعد ترویج فرهنگی بیشترین وزن را دارند؛ به عبارت دیگر در اسناد، به این مفاهیم توجه بیشتری شده است. برای استخراج معیارهای فرهنگی پیشنهادی برای دانشگاه‌های ایران، کدهای محوری، مبنای طراحی معیارها قرار گرفت. در نتیجه معیارهای ارزش‌های بنیادی فرهنگی، تعالی فرهنگی و ترویج فرهنگی می‌تواند مبنای فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران قرار گیرد.

نتایج کاربردی و اجرایی که این پژوهش برای سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور و مدیران دانشگاه‌ها خواهد داشت، توجه به مقوله‌های مهم در هر یک از ابعاد فرهنگی است که مورد تأکید اسناد فرادستی قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین مقوله‌ها، می‌توان به توجه به ارزش‌های اسلامی و هویت ملی، اخلاق محوری، ارتقای فرهنگی، مرجعیت فرهنگی، ترویج فرهنگ کارآفرینی، تقویت روحیه همکاری و مشارکت، آزاداندیشی و خودباوری اشاره نمود. پیشنهاد اجرایی برای این مهم، آن است که برای هر یک از این مقوله‌ها شاخص‌هایی کمی و قابل سنجش طراحی و در اختیار متصدیان آموزش عالی قرار گیرد و شاخص‌های مورد نظر در نظام‌های ارزیابی دانشگاه‌ها وارد شوند.

برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود با توجه به معیارهای این پژوهش، مدلی مفهومی برای الگوی فرهنگی دانشگاه‌های ایران طراحی شود. کدهای باز که به منزله مفاهیم الزام‌آور مستخرج از اسناد فرادستی هستند، می‌تواند مبنای شاخص‌سازی مدل قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱)، **خاطرات ابوالحسن ابتهاج**، تهران: علمی.
- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۹۳)، **سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی: ایده، تجربه و راهبرد**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ابراهیمی، روناک، فریبا عدلی و مهران گلنار (۱۳۹۴)، «نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی»، **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، سال بیست‌ویکم، شماره ۱: ۱۵۱-۱۲۷.
- اجتهادی، مصطفی و رسول داودی (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بخش آموزش عالی به‌منظور ارائه راهبردهای مناسب»، **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، سال یکم، شماره ۱۵: ۲۴-۱.
- ارباب‌شیرانی، بهروز و حسن خاکباز (۱۳۹۰)، «نقش علم و فناوری در برنامه‌های توسعه ملی. رشد، سال ششم، شماره ۲۳: ۳۸-۳۴».
- امیری، علی‌نقی، حسن زارعی‌متین، محمدمهدی ذوالفقارزاده (۱۳۸۹)، «پیچیدگی‌های فرهنگ و گونه‌شناسی مطالعات آن در آموزش عالی: چارچوبی فرائضی و مفهومی»، **راهبرد فرهنگ**، سال سوم، شماره ۱۱-۱۰: ۴۰-۷.
- تسلیمی، محمد سعید (۱۳۸۳)، **توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه اول، دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۴)، «رویکرد و استراتژی‌های دانش‌آفرینی در دانشگاه‌ها»، **رشد فناوری**، سال هشتم، شماره ۲: ۴۶-۳۳.
- داودی، رسول (۱۳۸۶)، **آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بخش (آموزش عالی) به‌منظور ارائه راهبردهای مناسب**، رساله دوره دکتری، تهران: واحد علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه آزاد.
- دلانتی، جرارد (۲۰۰۱). دانش در چالش، دانشگاه در جامعه دانایی. مترجم: علی بختیاری‌زاده، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکرسالحي، غلامرضا و امین ذاکرسالحي (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوای پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور و پیشنهاد الگوی ارزیابی آن»، **سیاست علم و فناوری**، سال دوم، شماره ۲: ۴۵-۲۹.
- ذاکرسالحي، غلامرضا و امین ذاکرسالحي (۱۳۸۹)، «بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران»، **آموزش عالی**، سال سوم، شماره ۱: ۵۹-۳۳.
- رفوفی، محمد (۱۳۷۴)، «دانشگاه و توسعه فرهنگی»، **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۱۰: ۸۱-۸۰.
- رشیدی، حمیدرضا، سیدابراهیم میرشاه‌جعفری، مصطفی شریف خلیفه‌سلطانی (۱۳۸۴)، «بررسی

- روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور»، **روانشناسی و علوم تربیتی**، سال سی و پنج، شماره ۱: ۲۲۰-۱۹۹.
- زارع بناد کوکی، محمدرضا، محمدعلی وحدت‌زاد، محمد صالح اولیاء و محمد مهدی لطفی (۱۳۹۴)، بررسی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها: یک رویکرد انتقادی، **آموزش مهندسی ایران**، سال هفدهم، شماره ۶۱: ۱۳۱-۹۵.
- زارع بناد کوکی، محمدرضا، محمدعلی وحدت‌زاد، محمد صالح اولیاء و محمد مهدی لطفی، (۱۳۹۵)، «بررسی و استخراج معیارهای مؤثر بر رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد فرادستی»، **سیاست علم و فناوری**، سال هشتم، شماره ۳: ۸۷-۵۵.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۷)، **اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ دانشگاهی**، همایش توسعه علمی تا توسعه ملی، تهران.
- سیاری، علی اکبر (۱۳۷۴)، «بازنگری بر تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه دوم توسعه»، **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**. شماره ۹.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۱)، ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران: بررسی چالش‌ها و ارائه راهبردها»، **راهبرد فرهنگی**، سال پنجم، شماره (۱۸-۱۷)، ۱۲۱-۹۳.
- طایفی، علی (۱۳۷۸)، «فرهنگ علمی- پژوهشی ایران (بررسی قابلیت‌ها و تنگناها)»، **رهیافت**، سال نهم، شماره ۲۱: ۵۳-۴۷.
- فتح‌الهی، احمد، محمد یمینی، زهرا صباغیان، مقصود فراستخواه، محمد قاضی طباطبائی (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی»، **سیاست علم و فناوری**، سال هفتم. شماره ۱: ۴۵-۲۷.
- کریمیان، زهرا و علی محمد احمدوند (۱۳۹۱)، «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها»، **تحقیقات فرهنگی ایران**، سال پنجم، شماره ۳: ۷۶-۴۷.
- گال، مردیت، والتر بورگ و جوئیس گال (۱۳۹۱)، **روش‌های تحقیق کمی و کیفی در روانشناسی و علوم تربیتی**، ترجمه احمدرضا نصر، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- محسنی، علی اکبر (۱۳۸۳)، **دایره‌المعارف آموزش عالی**، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- محمدی، شیرکوه، سید علی نقی کمال خرازی، محمد کاظمی فرد و جواد پورکریم (۱۳۹۵)، «ارائه الگویی برای آموزش چند فرهنگی در نظام آموزش عالی: واکاوی دیدگاه‌های متخصصان این حوزه در ایران»، **تدریس پژوهی**، سال چهارم، شماره ۱: ۹۱-۶۵.
- مرشدی، ابوالفضل و حسین خلیج (۱۳۹۲)، «ارزیابی سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی کشور: کثرت در وحدت فرهنگی / همزیستی فرهنگ علمی و دینی»، **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۱۴: ۱۴۳-۱۰۷.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲)، «آینده‌پژوهی در آموزش عالی: شرایط و ویژگی‌های دانشگاه‌های سرآمد در آینده»، **رهیافت**، شماره ۵۵: ۹۰-۷۹.
- مهدی، رضا (۱۳۹۴)، «جایگاه و موقعیت آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور»،

مهندسی فرهنگی، شماره ۸۲: ۱۳۲-۱۱۹.

نوروززاده، رضا، حمید شفیع‌زاده و شادی روحانی (۱۳۹۲)، «ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی»، **راهبرد**، سال بیست‌ودوم، شماره ۶۶: ۲۸۵-۳۱۴.

نوروززاده، رضا، کوروش فتحی و اجارگاه و امیرحسین کیدوری (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین به منظور استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعه پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۵۳: ۲۹-۵۰.

نیک‌بین، محمد، غلامرضا ذاکر صالحی و رضا ماحوزی (۱۳۹۶)، «الگوی بین‌المللی شدن آموزش عالی از منظر سیاست فرهنگی»، **سیاست علم و فناوری**، سال نهم، شماره ۳: ۴۵-۶۰.

منابع لاتین

- Lucas, L. M. (2006), "The role of culture of knowledge transfer: The case of the multinational corporation", *The Learning Organization*, Vol.13, No.3: 257-275.
- Nold III, H. A. (2012), "Linking knowledge processes with firm performance: organizational culture", *Journal of Intellectual Capital*, Vol.13, No.1: 16-38.
- Porzionato, M. & De Marco, F. (2015), Excellence and diversification of higher education institutions' missions. In *The European Higher Education Area* (285-292), Springer, Cham.
- Rahman, N. A. Voon, B. H. & Firdaus, A. (20۰6), "Identifying the Dimensions for Culture of Excellence in Higher Education", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol.224: 84-92.
- Scollon, R. (2001), *Inter-Cultural Communication*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Tierney, W. G. & Sabharwal, N. S. (2017), "Academic corruption: Culture and trust in Indian higher education", *International Journal of Educational Development*, Vol.55: 30-40.
- Valimaa, J. & Ylijoki, O. H. (2008), *Cultural perspectives on higher education*, Springer.